

نشریه ادبیات تطبیقی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان
سال ۶، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

بررسی تطبیقی ساختار ترامتنی نمایشنامه‌های
«لیلی و مجنون» و «مجنون لیلی» (علمی - پژوهشی)*

مرجان سادات عربزاده حسینی
کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر مریم صالحی نیا
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر محمدجواد مهدوی
استادیار دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

هدف مقاله حاضر، تحلیل و تطبیق ساختار ترامتنی نمایشنامه‌های منظوم «لیلی و مجنون»، نوشته پری صابری در ادبیات معاصر فارسی و «مجنون لیلی»، نوشته احمد شوقی در ادبیات معاصر عربی است. به این منظور، نویسندگان پس از شرح الگوی ترامتنیت ژرار ژنت به واکاوی آن در هر یک از آثار مذکور پرداخته و نشان می‌دهند که از میان گونه‌های این نظریه یعنی «پیرامتنیت، سرمتنیت، بیش‌متنیت، بینامتنیت و ورامتنیت»، چهار نوع اول آن در هر دو نمایشنامه یافت می‌شود. سپس، برخی تفاوت‌ها و شباهت‌های ترامتنی «لیلی و مجنون» و «مجنون لیلی» را برشمرده و نتیجه‌گیری می‌کنند، صابری و شوقی با ذوق و قریحه‌هایی متفاوت و با توجه به شرایط عصر و جامعه و همچنین، ایدئولوژی شخصی خویش، بر اساس یک قصه مشترک (لیلی و مجنون)، نمایشنامه‌هایی را خلق کرده‌اند که اختلاف در پیرامتنیت آن‌ها به ژانر نمایش و تفاوت در اصول نمایشنامه-

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۳/۶/۱۵
arabzadehmarjans@yahoo.com
maryamsalehinia@yahoo.com
mahdavijavad@yahoo.com

*تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۰/۲۴
نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

نویسی نویسندگان باز می‌گردد و افزون بر آن، از یک سو تفاوت آشکاری میان پیش‌متن - های «لیلی و مجنون» و «مجنون لیلی» و از سوی دیگر، تفاوت‌های بنیادینی در نوع کاربرد و جلوه‌های بینامتنیت و سرمتنت این متون وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: ساختار ترامنتی، نمایشنامه، لیلی و مجنون، شوقی، صابری، ادبیات

تطبیقی.

۱- مقدمه

«لیلی و مجنون» نظامی گنجوی که به تعبیر پیتر چکلوفسکی، نمایشنامه‌ای روانشناختی است (خوزان، ۱۳۶۸: ۱۸) و بر توانایی شاعر در زمینه استفاده از ساخت نمایشی در داستان دلالت دارد، توجه برخی نمایشنامه‌نویسان را به خود جلب کرده است. در ادبیات فارسی، پری صابری (۱۳۱۱) نمایشنامه منظوم «لیلی و مجنون» را در سال یک‌هزار و سیصد و هشتاد و سه تحت تأثیر اثر نظامی نگاشته و برای نشان دادن فراگیری مضمون عشق، ضمن گذشتن از تفاوت‌های زمانی با تلفیق شعر نظامی با اشعار چند شاعر دیگر، «لیلی و مجنون» را آفریده است. از آن‌جا که داستان لیلی و مجنون ریشه عربی دارد و اولین مرتبه در «الشعر والشعراء»ی ابن قتیبه دینوری به آن اشاره شده، از نگاه نمایشنامه‌نویسان عرب نیز دور نمانده است. احمد شوقی (۱۸۶۸ - ۱۹۳۲)، شاعر و نویسنده درباری مصر در سه سال پایانی عمر خود نمایشنامه «مجنون لیلی» را براساس داستان عاشقانه لیلی و مجنون به نظم در آورده است. شوقی از یک سو با توجه به گرایش مذهبی خود، رنگ دینی به عشق این دو اسطوره بخشیده و از سوی دیگر، این داستان را دستاویزی برای بیان عقاید سیاسی اش قرار داده است.

۱-۱- پیشینه پژوهش

می‌توان گفت این جستار پیشینه دقیقی ندارد، یعنی تا به حال کسی با نظریه ترامنتیت و به صورت تطبیقی این دو نمایشنامه را تحلیل نکرده، اما برخی پژوهش‌های مرتبط با آن عبارت است از: (۱) چکلوفسکی، پیتر. (۱۳۶۸). «نظامی، نمایشنامه‌نویس چیره‌دست». ترجمه مریم خوزان. در نشر دانش. (۵۵). صص ۱۶ - ۲۲. این مقاله به جوهر نمایشی و فن روایت در آثار نظامی اشاره کرده و بر تحلیل آن در خسرو و شیرین تمرکز می‌کند. (۲)

کلارستاقی، احمدعلی. (۱۳۸۳). «نمایشنامه در ادبیات معاصر عربی و تحلیل نمایشنامه مجنون لیلی احمد شوقی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد. این پژوهش در بخش سوم با هدف دست یافتن به اصول نمایشنامه بدون استفاده از نظریه خاصی اثر شوقی را تحلیل می‌کند. (۳) دودانگه، محرمعلی. (۱۳۸۹). «لیلی و مجنون، میراث‌دار نمایش و نمایشنامه‌نویسی منظوم در ایران». در کتاب *ماه ادبیات*. (۴۷). صص ۱۱۰-۱۱۳. این نوشتار، پیکره داستانی نمایشنامه «لیلی و مجنون» پری صابری را خیلی کوتاه نقد می‌کند. (۴) رضایی مقدم، مریم. (۱۳۸۹). «تطبیق بین مجنون لیلی احمد شوقی و لیلی و مجنون نظامی گنجوی». پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات دانشگاه حکیم سبزواری. با توجه به ساختار پایان‌نامه مورد نظر، می‌توان گفت نویسنده تفاوت بنیادین نمایشنامه و منظومه کلاسیک را نادیده انگاشته است. (۵) رضانی، آزاده. (۱۳۹۰). «بررسی قابلیت‌های بازآفرینی لیلی و مجنون در سینما». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات دانشگاه بیرجند. این پایان‌نامه، فیلم‌نامه‌هایی را که براساس لیلی و مجنون نوشته شده‌اند، بررسی می‌کند. (۶) بهرامیان، اکرم. (۱۳۹۰). «تحلیل جلوه‌های بینامتنیت در ادبیات نمایشی دو دهه اخیر ایران». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر. دانشگاه تربیت مدرس. این پایان‌نامه به سنجش ظرفیت‌های بینامتنی درام ایران با تأکید بر آثار پری صابری، محمد یعقوبی و محمد چرمشیری پرداخته است.

۱-۲- مبنای نظری

بررسی ارتباط یک متن با سایر متون از جمله موضوعات مهمی است که توجه ساختارگرایان و پس‌اساختارگرایانی چون ژولیا کریستوا، رولان بارت، ژرار ژنت و... را به خود جلب نموده و از میان نظریه پردازان مختلف، ژنت این موضوع را در ابعاد وسیع‌تر و چهارچوب منسجم‌تری مورد پژوهش قرار داده است. وی در ابتدای «پلمسیست» که بیژن الهی در ترجمه، آن را به درستی^(۱) پلمه‌ها نامیده است، می‌گوید: «من امروز ترجیح می‌دهم بگویم موضوع بوطیقا، ترامتنیت یا تعالی متنی متن است، همان چیزی که قبلاً به هر امری

که متن را در ارتباط با متون دیگر قرار دهد، اطلاق می‌کردم» (Genette, 1997: 1). ژنت بررسی تمام روابط میان‌متنی و متغیرهای آن را ترامتنیت نام می‌نهد که می‌توان آن را بینامتنیت از دیدگاه بوطیقای ساختارگرا خواند.

۲- بحث

«لیلی و مجنون» پری صابری با اقتباس از «لیلی و مجنون» نظامی و «مجنون لیلی» شوقی بر اساس روایت عربی «الأغانی» نوشته شده است، بنابراین، هر دو اثر، استوار بر پیش‌متن‌های مشخصی هستند و علاوه بر این، پیوندهای پیچیده‌تری نیز با متون دیگر دارند.

۲-۱- پیرامتنیت

پیرامتن‌ها به منزله ورودی‌های جهان متن هستند و «همان‌گونه که از پیشوند دو پهلویشان بر می‌آید، شامل همه آن چیزهایی می‌شود که هرگز مشخصاً متعلق به متن یک اثر نیست، اما در ارائه یا حضور بخشیدن به متن از راه شکل دادنش در قالب یک کتاب سهم است» (Ibid. 63).

۲-۱-۱- پیرامتنیت لیلی و مجنون

۲-۱-۱-۱- عنوان

نخستین پیرامتنی که در «لیلی و مجنون» به چشم می‌خورد، صفحه عنوان اثر است که به صورت زیر آمده است: لیلی و مجنون / (برگرفته از نظامی گنجوی) / به روایت پری صابری. هم‌چنان که پرونر می‌گوید: «برای عنوان، سه نقش را می‌توان در نظر گرفت: ابتدا باعث تشخیص اثر می‌شود؛ سپس، در مورد محتوای اثر اطلاع‌رسانی می‌کند و سرانجام، به نوعی باعث جلب توجه می‌گردد» (پرونر، ۱۳۸۸: ۲۱). می‌بینیم که برای تعیین هویت نمایشنامه مزبور در عنوان از اسم قهرمانان اصلی اثر استفاده شده، سپس، با آوردن عبارت توضیحی داخل پرانتز، پیش‌متن نوشته معرفی می‌شود و برای متمایز نمودن کار از سایر آثاری که عنوان لیلی و مجنون را بر خود دارند، نام نویسنده به میان می‌آید.

۲-۱-۱-۲- توضیحات صحنه‌ای

پیرامتن دیگری که در نمایشنامه پری صابری قابل بررسی است، توضیحات صحنه‌ای نام دارد. توضیحات صحنه‌ای «در تئاتر یونان به معنای دستوراتی بود که برای اجرای آثار نمایشی به بازیگران داده می‌شد و به همین خاطر، آن را داخل متن نمی‌گنجانند. از آن زمان به بعد بخشی از متن را تشکیل می‌دهد که قرار نیست بازیگران بر زبان رانند» (همان، ۳۳). توضیحات صحنه‌ای به چند دسته تقسیم می‌شود:

۲-۱-۱-۱-۲- توضیحات مقدماتی

در این قسمت که قبل از شروع متن نمایشنامه ذکر می‌شود، اشخاص نمایشنامه و نسبت آن‌ها با یکدیگر، عنوان و بعضاً سن، خصوصیات ظاهری و اخلاقیشان توضیح داده می‌شود. میشل پرونر بر این باور است که این نوع از توضیحات صحنه‌ای، سهمی به سزا در ایجاد خیال‌پردازی دارند و اطلاعاتی نیز درباره مکان، زمان یا کنش نمایشی به خوانندگان ارائه می‌دهند (همان، ۳۴)، اما در توضیحات مقدماتی «لیلی و مجنون» صحبتی از زمان و مکان و کنش دیده نمی‌شود و نمایشنامه نویس فقط به معرفی نقش آفرینان می‌پردازد.

۲-۲-۱-۱-۲- توضیحات کاربردی

توضیحاتی است که قبل از هر پرده یا تابلو، برای نشان دادن تغییرات احتمالی زمان، مکان و کنش نمایش آورده می‌شود. به عنوان نمونه در آغاز نمایشنامه صابری چنین می‌آید: «گرگ و میش غروب هوهوی بادهای کویری / همسرایان از دل کویری غبارآلود بیرون می‌آیند / ماندگار به مرور از میان همسرایان پا به میدان بازی می‌گذارد» (همان، ۷).^(۲)

۲-۳-۱-۱-۲- توضیحات بیانی

واسطه متن نمایشی و نمایش محسوب شده و از زبان راوی / نمایشنامه‌نویس و با قلمی متفاوت، در میان گفت‌وگوی شخصیت‌ها می‌آیند و نمونه برجسته آن در تابلو دوم مشاهده می‌شود: «پخش فیلم هزاران جنین به دنیا نیامده / مجنون در تار و پود ریسمان‌های سرخ به آسمان وصل شده، در خواب است و به مرور زمان بیدار می‌شود / ... / دو دلدادۀ تقدیری در تار و پود رشته‌های سرخ گیر افتاده‌اند» (همان، ۱۱).^(۳)

۲-۴-۱-۱-۲- توضیحات متنی

نویسندگان گاهی اطلاعات صحنه‌ای را در داخل متن نمایش قرار داده (پروفر، ۱۳۸۸: ۳۷) و در پایان هر پرده، تابلو و... نمایشنامه، صحنه نمایش را بدون حضور بازیگران وصف می‌کنند. توضیحاتی مشابه پایان تابلوهای دوازده گانه لیلی و مجنون از این گونه توضیحات شمرده می‌شوند: «هوهوی بادهای مخالف / تاریک می‌شود» (صابری، ۱۳۸۳: ۹).^(۴)

۲-۱-۲- پیرامنتیت مجنون لیلی

۲-۱-۲-۱- عنوان

نخستین پیرامنتی که در نمایشنامه شوقی دیده می‌شود، همچون هر اثر دیگری، عنوان است. عنوان «مجنون لیلی» براساس نام دو قهرمان اصلی داستان انتخاب شده و به همراه نام نویسنده در صفحه عنوان کار آمده است. آنچه باعث تمایز این عنوان از سایر آثاری که عنوانی مشابه دارند، می‌شود، آوردن این دو اسم به صورت ترکیب اضافی است، در حالی که اکثر مواقع شاهد عطف لیلی و مجنون هستیم. از آنجا که لیلی و مجنون نام دو اسطوره معروف عشق است، می‌توان گفت عنوان مزبور درونمایه اثر را به خوبی باز می‌نمایاند و در عین حال، مرکزیت را به مجنون می‌دهد و به شکل ضمنی تأکید می‌کند که مجنون‌های دیگری نیز وجود دارند، مجنون‌هایی که شوقی در ساختار نمایشنامه به شکل معناداری بر حضور آن‌ها صحه می‌گذارد.

۲-۲-۱-۲- توضیحات صحنه‌ای

چهار گونه از توضیحات صحنه‌ای در نمایشنامه شوقی نیز دیده می‌شود:

۲-۲-۱-۲-۱- توضیحات مقدماتی

در این بخش، زمان داستان آغاز حکومت امویان و مکان آن، صحرای نجد عنوان شده و شخصیت‌های نمایشنامه به ترتیب اهمیت معرفی می‌شوند.

۲-۲-۲-۱-۲- توضیحات کاربردی

با بررسی توضیحات کاربردی در آغاز هر فصل به زنجیره مکانی نمایشنامه پی می‌بریم: این تراژدی از سرزمین نجد در قبیله بنی عامر شروع می‌شود و در مسیر کاروان میان نجد و یشرب، گوشه‌ای از بیابان و صحرا در یکی از روستاهای جنیان در قبیله بنی ثقیف در طائف

ادامه می یابد و در گورستان بنی عامر به پایان می رسد. گاهی این توضیحات، خلاصه ای از کنش هر فصل را نشان داده و از نظر روایی نقش چکیده را ایفا می کنند:

«فتیه و فتیات من الحی یسمرون فی أوائل اللیل...» (شوقی، بی تا: ۷).^(۵)

ترجمه: دختران و پسران جوانی از قبیله در اوایل شب به قصه گویی پرداخته اند.

۲-۱-۲-۲-۳- توضیحات بیانی

در «مجنون لیلی» توضیحات بیانی به دو دسته تقسیم می شود: دسته ای در ضمن این که اطلاعاتی به بازیگران می دهد، به خوانندگان هم کمک می کند تا جزئیات نمایش را پیش چشم خود، مجسم کنند: «یظهر قیس و زیاد من جانب المسرح الآخر» (همان، ۱۹). ترجمه: درحالی که قیس و زیاد از طرف دیگر ظاهر می شوند.^(۶) و دسته دیگر متعلق به بازیگران است و دستوراتی در جهت اجرای نمایش به ایشان ارائه می دهد: «صجره» (همان، ۱۱). ترجمه: با ناراحتی.

۲-۱-۲-۲-۴- توضیحات متنی

توضیحات متنی، کم کاربردترین پیرامتن در نمایشنامه شوقی محسوب شده و تنها در پایان هر پرده ذکر می شود: «ستار» (همان، ۲۹).^(۷) ترجمه: پرده کشیده می شود. بنا بر آنچه گذشت، پیرامتن ها در نمایشنامه شوقی و صابری به دو دسته عنوان و توضیحات صحنه ای تقسیم می شوند. عنوان نمایشنامه فارسی اطلاع کامل تری در مورد محتوای کتاب می دهد و عنوان نمایشنامه عربی، متفاوت و نشان دهنده سوگیری خاص نویسنده است. توضیحات صحنه ای در «لیلی و مجنون» با تغییر قلم مشخص می شوند و در «مجنون لیلی» با قرار گرفتن داخل پرانتز یا گیومه، بر طبق اصول نمایشنامه نویسی کلاسیک به نوعی از متن جدا می شوند. توضیحات مقدماتی «مجنون لیلی» از «لیلی و مجنون» دقیق تر است، زیرا خواننده را به زمان و مکان روایت نیز رهنمون می کند. توضیحات کاربردی نمایشنامه شوقی در آغاز هر پرده به نوعی کنش پرده را نشان می دهد و در مقابل، صابری در این نوع توضیحات به تصویرگری می پردازد. توضیحات بیانی مخصوص بازیگران که

در نمایشنامه عربی وجود دارد، در نمایشنامه فارسی دیده نمی‌شود و در نهایت، توضیحات متنی «لیلی و مجنون» با وصف دقیق‌تری از صحنه نمایش که اغلب با نوای موسیقی همراه است، آورده می‌شود.

۲-۲- سرمتنیت

ژنت نظام‌های آغازین را که هر متن از آن نشأت می‌گیرد، سرمتن نامیده و می‌گوید: «سرمتن‌ها، کل مجموعه مقولات عمومی یا فرابود سنخ‌های گفتمان، شیوه‌های گزاره و ژانرهای ادبی است که هر متن از آن نشأت می‌گیرد» (Genette, 1977: 1).

۲-۲-۱- سرمتنیت لیلی و مجنون

۲-۲-۱-۱- تداخل ژانرها و انواع ادبی

«ارائه یک اثر هنری سه روش دارد: روایت خالص که در آن شاعر با صدای خودش سخن می‌گوید. روایت با تقلید که در آن یک یا چند گوینده در اثر تجسّد یافته‌اند و ترکیبی از این دو» (دوبرو، ۱۳۸۹: ۶۸). در یک نگاه کلی، «لیلی و مجنون» ترکیبی از روایت خالص و روایت با تقلید است. نویسنده در توضیحات صحنه‌ای با صدای خویش و در متن از زبان شخصیت‌های نمایشنامه‌اش صحبت می‌کند. به این ترتیب، در اثر پری صابری هر سه ژانر حماسی، غنایی و نمایشی حضور می‌یابند و از سوی دیگر، قرار گرفتن قالب‌های شعری گوناگون غزل، مثنوی، شعر نو و ... در کنار هم نیز مسأله آمیختگی یا تداخل انواع ادبی را در این اثر به وجود می‌آورد.

۲-۲-۱-۲- عشق

پری صابری با تلفیق منظومه نظامی گنجوی با اشعار شاعرانی چون مولوی، حافظ، وحشی بافقی، عطار و ... عشق را به عنوان یکی از سرمتن‌های برجسته اثر خود معرفی می‌کند. به این مبحث مهم ذیل بینامتنیت لیلی و مجنون به تفصیل می‌پردازیم.

۲-۲-۱-۳- تصویر و نقاشی

استفاده از واژه تابلو در تقطیع نمایشنامه با غنای تصویری آن مناسبت دارد. در یک نمای کلی می‌توان گفت «لیلی و مجنون» از دوازده تابلو نقاشی که در کنار هم چیده شده‌اند، تشکیل یافته است. سرمتنیت نقاشی در تابلوهای وصفی، برجسته‌تر است و

نمایشنامه نویسی با استفاده از گستره تصویر و رنگ، تمام تابلوهای نقاشی، تابلو فرش ها و نقش و نگارهای کلاسیکی که از لیلی و مجنون وجود دارد را به نوعی ترسیم می کند.^(۸)

۲-۲-۱-۴- فیلم و سینما

فیلم و سینما به عنوان یکی دیگر از سرشت های سرمتمی برجسته «لیلی و مجنون» که در برخی آثار دیگر صابری نیز یافت می شود، پایداری عشق به سینما در وجود این نمایشنامه-نویس معاصر را نشان می دهد: «پخش فیلم مراسم حج...» (همان. ۲۱).

۲-۲-۱-۵- موسیقی

آخرین سرمتمی که در اجرا و نمایش، نسبت به نمایشنامه حضور پررنگ تری می یابد و از ویژگی های سبکی نمایشنامه نویسی صابری به شمار می رود، موسیقی است که در توضیحات متنی آخر اکثر تابلوها به آسانی دریافت می شود و حضوری نامحسوس در برخی توضیحات کاربردی و بیانی نیز دارد: «همه سر و صدا بوق و کرنا» (همان. ۲۵).^(۹)

۲-۲-۲- سرمتمت مجنون لیلی

۲-۲-۲-۱- تداخل ژانرها

به تعبیر ژنت، شاعر در ژانر نمایشی صور خیال خود را در رابطه بی واسطه با دیگران، در ژانر غنایی، صورت های خیالی خود را در رابطه بی واسطه با خود و در ژانر حماسی، خیال خود را در رابطه با واسطه خود و دیگران ارائه می دهد (Genette, 1930: 1). شوقی در «مجنون لیلی» هر سه ژانر را به کار می گیرد. ژانر اصلی اثر او نمایشی است؛ اما در توضیحات صحنه ای از شیوه روایت گری حماسی و در گفت گوی شخصیت ها و موضوع محوری اثر، از ژانر غنایی بهره می گیرد.

۲-۲-۲-۲- تنوع گفتمان

۲-۲-۲-۲-۱- مذهب

دین در نمایشنامه شوقی کاربرد زیادی دارد، چنان که شاعر برای بالا بردن مقام ابن ذریح از مقام امام حسین (ع) استفاده می کند:

«رضیع الحسین علیه السلام و ترب الحسین من المکتب» (شوقی، بی تا: ۸).

ترجمه: او هم شیر و هم بازی امام حسین (ع) از دوران خردسالی است. هم چنین، دلسوزانه از زبان زیاد، قیس را به توسل جستن به پیامبر (ص) نصیحت می کند: «فقم قیس و اضرع مع الضارعین و أنزل بجدّ الحسین الأمل» (همان. ۳۹). ترجمه: پس ای قیس برخیز و همراه زاری کنندگان زاری کن و امیدت را به جدّ امام حسین (ع) ببند.

و در قسمتی دیگر، قداست و حرمت قرآن را به میان می آورد: «نحن کعثمان و لیلی بیننا کالمُصحف» (همان. ۴۸). ترجمه: ما مانند عثمان هستیم و لیلی بین ما مثل قرآن شریف است. و از ذکر الله اکبر و اذان بلال نیز سخن می گوید: «سُدی کبرو ما أذنُ قیس مفیقهً و إن سکبوا فیها اذان بلال» (همان. ۶۱). ترجمه: بی فایده است تکبیر بگویند، چون قیس به هوش نمی آید؛ حتی اگر اذان بلال در گوش او گفته شود.

۲-۲-۲-۲-۲ سیاست

احمد شوقی در «مجنون لیلی» به انعکاس شرایط سیاسی روزگارش می پردازد، به گونه ای که سخنان بشر درباره دوستی امام حسین (ع)، خفقان سیاسی-مذهبی را منعکس می کند:

«ولکن أخاف امرأ أن یری
معلیّ تشیع أو یسمعه
أحب الحسین ولکنما
لسانی علیه و قلب معه...» (شوقی، بی تا: ۸).
ترجمه: می ترسم کسی ببیند یا بشنود من شیعه هستم، حسین را دوست دارم؛ ولی زبانم علیه او و دلم با اوست.

و با تقابلی که ابن ذریح میان شیعی و اموی برقرار می کند، این مسأله برجسته تر می شود:

«ما الذی أضحک منی
الظیبات العامریه
ألانی أنا شیعی
و لیلی أمویّه؟» (همان. ۹).

ترجمه: برای چه آهوان بنی عامر به من خندیدند؟ آیا برای این که من شیعی هستم و لیلی اموی؟

۲-۲-۲-۲-۳- اسطوره و باورهای عامیانه

یکی از سنن عرب این است که مانع ازدواج دخترشان با فردی که درباره او غزل سروده، می شوند و تعهد به این سنت در «مجنون لیلی» ملاحظه می شود. منازل در این مورد چنین می گوید:

«رُبَّ شَعْرٍ قَالِ فِي لَيْلِي، بِهِ هَتَفَ الْبَدُوُّ وَضَجَ الْحَاضِرُونَ» (همان. ۵۱)

ترجمه: چه بسیار اشعاری که درباره لیلی سرودم و همه بدویان و شهرنشینان آن اشعار را شنیدند و به آن فریاد زدند.

و در قسمتی دیگر، یکی از مردان قبیله لیلی صراحتاً به این رسم اشاره می کند:

«وَمَنْ سَنَهُ الْبَيْدُ نَفْضَ الْأَكْفِ مِنْ الْعَاشِقِينَ إِذَا شَبَّوْا» (همان. ۵۸).

ترجمه: از سنت های جاهلی این است که از عاشقان دست می شویند، هر گاه در وصف معشوق غزل سرایی کنند.

و این مسأله در گفت و گوی مجنون و لیلی از زبان لیلی نیز طرح می شود:

«كَلَانَا قَيْسٌ مُذْبُوخٌ قَتِيلُ الْأَبِّ وَالْأُمِّ

طَعِينَانِ بَسْكَينِ مِنْ الْعَادَةِ وَالْوَهْمِ» (همان. ۹۴).

ترجمه: ای قیس! ما هر دو قربانی پدر و مادر هستیم و دچار ضربه چاقوی عادت ها و سنت ها شده ایم...

همچنین، مواردی که در پرده دوم درباره شفای قیس با قلب گوسفند و ذبح گوسفند توسط نوجوانی که تازه به بلوغ رسیده، سخن می گوید (همان. ۳۰-۳۲) و در صحنه اول پرده چهارم که مسایلی درباره جنیان و شیاطین شعرا ذکر می کند، به برخی باورهای اسطوره ای اعراب اشاره دارد (همان. ۷۲-۸۴)، نیز ذیل سرمتن های نمایشنامه قرار می گیرد.

۲-۲-۲-۲-۴-۴- حکایات و امثال

نمایشنامه «مجنون لیلی» به مناسبت به چندین داستان اشاره می‌کند. مثلاً در سخنان قیس خطاب به لیلی، به داستان حضرت داوود:

«لیلی انظری البید هل مادمت بأهلها و هل ترنم فی المزماز داوُد» (همان. ۴۰).

ترجمه: لیلی نگاه کن صحرا را، آیا هنوز در میان اهل بیابان هستی؟ آیا داوود در نی دمیده است؟

و در سخنان منازل درباره قیس، به داستان قصاب یهودی ارجاع می‌دهد:

«منازل، یابن العم ما هذا الخیر رفعت قیسا فجعلته القمر

الآن أغریت بقتله الزممر کفعل جزار اليهود بالبقر» (همان. ۵۳).

ترجمه: منازل، ای پسرعمو چه خبر است؟ شأن قیس را بالا بردی و او را هم چون ماه قرار دادی / اما حالا شمشیرت را به قتل او تشویق می‌کنی؛ همانند کاری که قصاب یهودی با گاو کرد.

ضرب‌المثل‌ها نیز یکی از مصادیق سرمتنیّت در مجنون لیلی به شمار می‌آیند که چندین مرتبه مورد استفاده قرار گرفته‌اند: «و لا تخترع أو تبین من حَجَرِ قِصْرَا» (همان. ۱۳).^(۱۰)
ترجمه: از گاه کوه نسا.

۲-۲-۲-۳- موسیقی و آواز

در پرده دوم، دو گروه از کودکان آوازهایی در مدح و ذم قیس سر می‌دهند:
دسته اول:

«قیسُ عُصْفُورُ البوادی و هَزَارُ الرِّبَوات

طِرَتَ من وادِ لُوادی و غمرتَ الفلوات...» (همان. ۳۳).

ترجمه: قیس! ای گنجشک صحراها و ای بلبل تپه‌ها/ از دشتی به دشت دیگر می‌پری و در همه جا سیر می‌کنی...

دسته دوم:

«قیسُ كَشَفَتِ العذارى و انتَهكتِ الحُرُمات

و دمَعَتِ الحیَّ عارا فی السنین الغابرات...» (همان. ۳۳-۳۴).

ترجمه: قیس! تو دختران جوان را رسوا کردی و حرمت و آبروی آنها را از بین بردی /
و در سال‌های گذشته بر قبیله داغ ننگ زدی...

و در پرده آخر، آواز غریض خطاب به سرزمین بنی‌عامر ذکر می‌شود:

«وادی الموت سلامٌ و سقی القاع الغمامُ

السماء القدسُ محراً بُک و الارضُ الحرامُ» (همان. ۱۰۹).

ترجمه: ای سرزمین مرگ! درود بر تو و الهی ابرها زمین هموارت را سیراب کند /
بیت المقدس و بیت الحرام محراب تو است.

در نگاهی کلی، می‌توان گفت سرمتن‌های «لیلی و مجنون»، این اثر را در مقایسه با «مجنون لیلی» هنری تر جلوه می‌دهد و نشان از قوه تخیل بالای نویسنده دارد، در مقابل سرمتن‌های شوقی بر سبکی کفه هنر و خیال و سنگینی کفه ایدئولوژی دینی و سیاسی در نمایشنامه او دلالت می‌کند.

۲-۳- پیش‌متنیت

هر رابطه‌ای که متن ب (زیرمتن) را با متن الف (زیرمتن)، متحد کند، به شکلی که متن ب، تفسیر متن الف نباشد، پیش‌متنیت خوانده می‌شود (Genette, 1997: 5). پیش‌متن‌ها، به دو شکل تقلید و گشتار که شامل دو زیرمجموعه کمی و کاربردی است، استفاده می‌شوند. «گشتار کاربردی شامل تغییر در وقایع و مضامین اصلی داستان است» (Ibid. 309). اما اگر از متنی بدون تغییر در محتوا و تنها با کم و زیاد کردن حجم آن استفاده شود، گشتار کمی رخ داده است (Ibid. 228).

۲-۳-۱- پیش‌متنیت لیلی و مجنون

به تعبیر ژنت «اگرچه همه متون ادبی پیش‌متن هستند، برخی بیشتر از بقیه این گونه‌اند» (Ibid. 9). پیش‌متن صابری در «لیلی و مجنون»، منظومه «لیلی و مجنون» نظامی است و خود او در عنوان اثرش، این موضوع را با استفاده از عبارت «برگرفته از نظامی گنجوی»، بیان می‌کند. پیش‌متن‌ها به دو شکل در «لیلی و مجنون» استفاده می‌شوند:

۲-۳-۱-۱- تقلید

صابری در اکثر موارد پایبند به شعر نظامی بوده و فقط در چند مورد اختلاف‌های جزیی با آن دارد: «ایزد به تضرعی که شاید/ دادش پسری که باید» (صابری، ۱۳۸۳: ۸). که در نسخه نظامی به این صورت آورده شده: دادش پسری چنان که باید. و بیت «یارم تو بُدی و یاورم تو/ نیروی دلاورم تو» (همان، ۴۷). با افزودن واژه دل قبل از ترکیب دلاورم با بیان نظامی هم‌سان می‌شود. چنین تغییراتی را نمی‌توان گشتار خواند و به نظر می‌رسد کلماتی از ذهن یا قلم نویسنده جا افتاده‌اند.

۲-۳-۱-۲- گشتار

پری صابری، ابیات زیر را به گونه‌ای متفاوت با نظامی ذکر می‌کند: «فریاد که دورم از تو مادر/ فریادرسی نه جز تو مادر» (همان). و «اشک از پی تو دانه می‌کرد/ شوی شده را بهانه می‌کرد» (همان، ۵۱). که در روایت نظامی به جای واژه مادر در بیت اول، فریاد و به جای تو در بیت دوم، دوست، آمده که با اندکی تسامح می‌توان این دو بیت را ذیل گشتار کاربردی قرار داد و گفت نویسنده در پی تغییر معنا چنین تغییراتی در آن‌ها داده است.

۲-۳-۲- بیش‌متنیت مجنون لیلی

با نگاهی گذرا به کتبی که داستان لیلی و مجنون را مطرح می‌کنند، درخواهیم یافت ابوالفرج اصفهانی نگارنده «الأغانی» این قصه را دقیق‌تر و کامل‌تر از دیگران و با ضبط روایت‌های گوناگون بیان کرده و بعد از او هر کس که خواسته آن را به شکل دیگری بنویسد، از «الأغانی» به عنوان مأخذ اولیه بهره برده است. در این میان، احمد شوقی که در سال ۱۹۳۱ اقدام به نگارش نمایشنامه «مجنون لیلی» کرده است (الفاخوری، ۱۳۸۳: ۷۱۷)، نیز از این قاعده مستثنی نیست و در زمینه صحنه‌های اصلی اثرش از نسخه ابوالفرج اصفهانی تأثیر پذیرفته است. بیش‌متنیت الأغانی در هر دو شکل تقلید و گشتار در «مجنون لیلی» مشاهده می‌شود.

۲-۳-۲-۱- تقلید

شوقی نمونه‌های تقلید را به گونه‌ای مشخص و داخل پرانتز در نمایشنامه‌اش آورده است. مثلاً داستان آهو و شباهت آن با لیلی را از اصفهانی (۱۹۵۵، ج. ۲: ۶۱) نقل می‌کند:

«رأيت غزالاً يرتعى وسط روضه فقلت أرى ليلي تراءت لنا ظهراً» (شوقی، بی تا: ۱۴).
ترجمه: آهوئی را دیدم که وسط دشت می چرید، باخود گفتم گویا لیلی است که ظهر
هنگام برابرم نمایان شده است.

همچنین، داستان "کوه توباد" را به تقلید از اصفهانی (۱۹۵۵. ج. ۲: ۴۴) بیان می کند:
«و أجهتُ للتوباد حين رأيتهُ و كبر للرحمن حين رأني» (همان. ۷۹).
ترجمه: هنگامی که "کوه توباد" را دیدم، ناگهان به گریه افتادم و "کوه توباد" وقتی
مرا دید، خدا را تکبیر گفت.

۲-۳-۲-۲- گشتار

۲-۳-۲-۲-۱- گشتار کمتی

آغازیدن عشق لیلی و مجنون از دوران کودکی، برگرفته از اصفهانی (۱۹۵۵. ج. ۲: ۱۲)
است:

«مشى الحبُّ فى لیلی و فى من الصبَا و دبَّ الهوى فى شاء لیلی و شائیا» (همان. ۴۷).
ترجمه: عشق در وجود من و لیلی از دوران کودکی به وجود آمد و این عشق در قلب
من و لیلی رخنه کرد...

موضوع به حج بردن مجنون نیز در نمایشنامه «مجنون لیلی» نیز از همان اثر (۱۹۵۵. ج. ۲:
۲۰-۲۱)، اقتباس شده و از زبان زیاد در پاسخ به ابن عوف به این صورت می آید:

«لقد سقناه بالأمس فحجَّ الكعبه الغرأ

ما تاب من العشق و لا استبرا...» (همان. ۳۸).

ترجمه: دیروز سعادت زیارت کعبه پاک و مقدس را نصیب او گرداندم/ اما از عشق
لیلی توبه نکرد و بیزاری نجست...

همچنین، شوقی با توجه به روایت اصفهانی (۱۹۵۵. ج. ۲: ۲۵-۲۸)، بی انصافی منازل
در حق قیس را بیان می کند:

«ان یا قوم لكم أن تعلموا أن قيساً هتك الخدر المصون

قیسُ لم یتَرَکْ لیلیِ حُرْمَةً ما الَذی اَنْتم بقیس فاعلون؟...» (همان. ۵۲).
ترجمه: ای قوم! حالا باید بدانید که قیس حریم حفظ شده ما را هتک کرده/ او آبرویی
برای لیلی باقی نگذاشته، می خواهید در برابر او چه کنید؟...

به جز موارد ذکر شده، صحنه‌های ایستادن قیس بر در خیمه لیلی، آتش گرفتن دست
قیس، خواستگاری کردن مجنون از لیلی و انتخاب ورد توسط او و ... نیز پیش‌متن‌هایی ذیل
گشتار کمی در نمایشنامه «مجنون لیلی» محسوب می‌شوند؛ زیرا با تغییرات جزئی صوری
در «الأغانی» نیز به چشم می‌خورند.

۲-۳-۲-۲- گشتار کاربردی

چند نمونه گشتار کاربردی نیز در نوشته شوقی وجود دارد؛ مثلاً شوقی، رقیب قیس که
در روایت اصفهانی (۱۹۵۵. ج. ۲: ۱۰) مزاحم نامیده شده و در صحبت با مجنون موضوع
علاقه‌اش به لیلی را بازگو کرده، با نام "منازل" و با نقل گفت‌وگوی نفسانی او می‌آورد:

«هو ابن الملوّح دل الهزّالُ علیه و نم اضطراب الحُطّاب

و هام بلیلی و هامت به لقد کنت اُولی بهذا الهوی...» (همان. ۲۱).

ترجمه: او قیس بن ملوّح است. لاغری و لرزش گام‌ها بر وجود او دلالت دارد/ او عاشق
لیلی شده و لیلی عاشق او، در حالی که من به این عشق سزاوارترم...

همچنین، در روایت اصفهانی (۱۹۵۵. ج. ۲: ۷۱)، این مجنون است که از عشق لیلی می-
میرد و در نمایشنامه شوقی، مرگ لیلی قبل از مجنون آورده می‌شود که البته با توجه به نام
نمایشنامه و مجنون محوری آن چندان هم دور از انتظار نیست:

«سمعت اسمی یلفظه القبر

تنادینی من قبرها باسمی» (همان. ۱۱۹).

ترجمه: اسمم را شنیدم، قبر آن را تلفظ می‌کند/ لیلی دارد از قبرش مرا صدا می‌زند.
اظهار پشیمانی پدر لیلی در (اصفهانی: ۷۴) بعد از مرگ مجنون و در «مجنون لیلی» بعد
از مرگ لیلی مطرح می‌شود:

«و أعلمُ انی کنتُ حربَ هواهما و کنتُ مع الواشی و عون المفنّد» (همان. ۱۰۵).

ترجمه: می‌دانم که با عشق آن دو جنگیده‌ام و یاور افراد سخن‌چین و بدگو بوده‌ام. و در بیت زیر نیز، شوقی مفاهیم «الأغانی» را با استفاده از الفاظ جدید، به نظم درآورده است:

«أرانی إذا صَلَّيْتُ يَمَّمْتُ نَحْوَهَا بوجهی و إن كان المصلِّي ورائها» (اصفهانى، ۱۹۵۵. ج ۲: ۵۶).

ترجمه: هر گاه نماز می‌خوانم، خودم را در می‌یابم که صورتم را به سوی او برمی‌گردانم، اگرچه قبله پشت سرم باشد.

«إذا الناسُ شَطَرَ الْبَيْتِ وُلُّوا وَجوههم تلمستُ ركنی فی صلاتیا» (شوقی، بی تا: ۴۶).

ترجمه: وقتی مردم چهره‌هایشان را به طرف بیت‌الحرام برگرداندند، من در نمازم دو رکن مورد نظر خودم را جست‌وجو می‌کنم.

دیدیم که پری صابری کلیت داستان را از نظامی اقتباس کرده و با تلفیق آن با اشعار عاشقانه شاعران کلاسیک فارسی نمایشنامه‌اش را می‌نویسد. در حالی که احمد شوقی گاه به صورت تقلید یا گشتار از «الأغانی» بهره برده و گاه بدون پابندی به هیچ پیش‌متنی، هنر نویسندگی خود را به نمایش می‌گذارد.

۲-۴- بینامتنیت

رابطه هم‌حضور میان دو یا چند متن و یا حضور واقعی یک متن در متن دیگر است و به سه دسته تقسیم می‌گردد: صریح‌ترین و لفظی‌ترین شکل آن، عمل سنتی نقل قول، صورت کم‌تر صریح و لفظی آن سرقت ادبی و مورد سوم که در پایین‌ترین حد صراحت قرار دارد، تلمیح نام دارد که درک و فهم ارتباط میان متون در این حوزه نیازمند دقت است (Genette, 1997: 1-2).

۲-۴-۱- بینامتنیت لیلی و مجنون

مأخذ اصلی صابری، «لیلی و مجنون» نظامی است، اما نویسنده به مناسبت از اشعار حافظ، وحشی بافقی، مثنوی، غزلیات شمس، عطار و سهراب سپهری استفاده می‌کند.

۲-۴-۱-۱- تنوع گفتمان

صابری با تلفیق منظومه لیلی و مجنون نظامی با اشعار عاشقانه چند تن از شعرای برجسته پارسی که به دوره‌ها و سبک‌های متفاوت تعلق دارند، می‌کوشد تمام گفتمان‌ها و باورهای موجود در ادبیات فارسی درباره مضمون عشق را منعکس کند:

۲-۴-۱-۱-۱- عشق زمینی

وحشی بافقی در ادبیات فارسی، به عنوان یکی از نمایندگان عشق زمینی شناخته می‌شود و صابری برای نشان دادن گفتمان عاشقانه، حدود هفت مرتبه از شعراین شاعر سبک هندی استفاده می‌کند: «خوش آن روزی که زنجیر جنون بر پای من باشد/ به هر جا پا نهم از بی خودی غوغای من باشد» (صابری، ۱۳۸۳: ۲۳).^(۱۱)

۲-۴-۱-۱-۲- عشق آسمانی

گفتمان عارفانه با نقل قریب به سی بیت از مثنوی و غزلیات شمس مولوی، گفتمان غالب «لیلی و مجنون» محسوب می‌شود: «این بار من یکبارگی در عاشقی پیچیده‌ام/ این بار من یکبارگی از عافیت بیریده‌ام/ دل را ز خود برکنده‌ام، با چیز دیگر زنده‌ام/ عقل و دل و اندیشه را از بیخ و بن سوزیده‌ام» (همان، ۱۱).^(۱۲) افزون بر این، شعر عطار نیز در این نمایشنامه، عشق عارفانه را متجلی می‌سازد: «درین عمرت چه دیدی به از عمر جوانی...» (همان، ۴۳).^(۱۳)

۲-۴-۱-۱-۳- عشق میانه (آسمانی - زمینی)

گفتمان دیگری که در نمایشنامه به آن بر می‌خوریم، گفتمان میانه است که به واسطه اشاره‌ای گذرا به شعر «خانه دوست کجاست؟» (همان، ۵۶) سهراب سپهری و سه بیت از غزلیات حافظ دریافت می‌شود: «جان بی جمال جانان میل جهان ندارد/ هر کس که این ندارد حقاً که آن ندارد» (همان، ۱۷).^(۱۴)

۲-۴-۱-۲- تاریخ

صابری در نگارش اثرش زمان‌ها را در هم می‌آمیزد، تا آن‌جا که حتی صداهایی از دوره‌های تاریخی متأخر نیز در نمایشنامه به گوش می‌رسد. مثلاً تابلو ششم «لیلی و مجنون» تداعی گر لوطیان عملۀ استبداد است که در آستانۀ انقلاب مشروطیت لمپن نام گرفتند (اکبری، ۱۳۵۲: ۵۴-۵۵). صابری با نام اوباش و جاهل در نمایشنامه‌اش از این گروه سخن گفته و با به کار بستن لحن خاصشان، نهضت لمپنیسم را در ذهن احیا می‌کند: آخ لیلی و اوخ مجنون/ ای وای بر اهل عصمت ما/ از مردی و از حمیت ما...» (صابری، ۱۳۸۳: ۲۵).

۲-۴-۲- بینامتنیت مجنون لیلی

به باور ژنت، تلمیح یکی از اقسام بینامتنیت است (Genette, 1997: 1 - 2). بنا بر این تعریف، می‌توان گفت در نوشته احمد شوقی، بعضی مصادیق بینامتنیت (دینی، مذهبی، سیاسی، عامیانه و داستانی) با سرمتن‌های اثر که قبلاً به تفصیل از آن‌ها سخن گفتیم، هم‌پوشانی دارند. صابری با قرار دادن متون مختلف در کنار منظومۀ نظامی، تمایز زمانی را نادیده انگاشته و با استفاده از بینامتنیت بر مفهوم عشق تمرکز می‌کند و شوقی گفتمان‌های رایج در عصر و زمانۀ خود را به این صورت در اثرش متجلی می‌سازد.

۳- نتیجه گیری

می‌توان گفت عنوان نمایشنامه صابری دقیق‌تر است و اطلاع کامل‌تری درباره محتوای اثر می‌دهد. صابری در توضیحات مقدماتی به معرفی شخصیت‌ها، در توضیحات کاربردی به تصویرگری و در توضیحات بیانی به صحبت با خواننده می‌پردازد و در نهایت، با وصف صحنۀ نمایش که معمولاً همراه با موسیقی است، هر تابلو را به پایان می‌رساند. در مقابل، شوقی در نمایشنامه‌اش عنوان را به شکلی متفاوت به کار می‌برد. او در توضیحات مقدماتی، شخصیت‌ها و زمان و مکان روایت و در توضیحات کاربردی، کنش هر پرده را به خواننده نشان می‌دهد. شوقی توضیحات صحنه‌ای را با قرار دادن داخل گیومه یا پرانتز از متن نمایشنامه جدا می‌کند. در «لیلی و مجنون» با تداخل ژانرها و تنوع گفتمان‌های عاشقانه و سپس تاریخ، تصویر، نقاشی، فیلم و موسیقی مواجهیم و در مجنون لیلی، علاوه بر تداخل

ژانر، شاهد حضور عقاید سیاسی، مذهبی، باورها و... نویسنده و پس از آن قطعات آوازخوانی هستیم. از مجموع ۲۱۷ بیت نمایشنامه صابری، ۱۶۴ بیت یعنی ۷۵ درصد کل متن با تغییرات بسیار اندکی برگرفته از نظامی و ۲۵ درصد باقی مانده برگرفته از شعر شاعرانی چون مولوی، حافظ، سهراب و... است و به این ترتیب، از گزینش ابیات که بگذریم، حضور نویسنده در متن صفر است. از سوی دیگر، از ۱۰۸۱ بیت نمایشنامه - شوقی، ۷۱ بیت یعنی فقط ۷ درصد از کل اثر به شکل تقلید یا با گشتارهای کمی و کاربردی از *الأغانی* اخذ شده و ۹۳ درصد باقی مانده، هنر شاعری نمایشنامه نویس را نشان می دهد. تمرکز غایی *«لیلی و مجنون»* بر مفهوم عشق است که با ایجاد هم‌زمانی در اشعار دوره‌های مختلف حاصل می شود و هدف نهایی *«مجنون لیلی»* که با استفاده از تلمیح تحقق می یابد، نشان دادن شرایط و عقاید سیاسی، اجتماعی، مذهبی و... جامعه و خود شاعر است.

یادداشت‌ها

- ۱- نوعی گل است سخت و سیاه که می توان برای نوشتن به کار برد (دهخدا «پلمه»).
- ۲- و نیز صفحات: ۱۱. ۱۵. ۱۷. ۲۱. ۲۵. ۲۹. ۳۳. ۳۹. ۴۳. ۴۹ و ۵۳.
- ۳- و نیز صفحات: ۱۲. ۱۳. ۱۷. ۱۸. ۱۹. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۸. ۲۹. ۳۰. ۳۱. ۳۴. ۳۶. ۳۷ و...
- ۴- و نیز صفحات ۱۴. ۱۶. ۱۹. ۲۳. ۲۸. ۳۱. ۳۸. ۴۲. ۴۸. ۵۲ و ۵۶.
- ۵- و نیز صفحات ۳۰. ۴۴. ۷۱ و ۱۰۲.
- ۶- موارد آن در تقریباً تمام صفحات موجود است و با قلم متفاوت، مشخص می شود.
- ۷- و نیز صفحات ۴۳. ۷۰. ۱۰۱ و ۱۲۰.
- ۸- و نیز صفحات ۴۹- ۵۶.
- ۹- و نیز صفحات: ۲۶. ۳۰. ۳۳. ۳۹. ۴۳. ۴۷ و ۴۹.
- ۱۰- و نیز صفحه: ۸۷.
- ۱۱- و نیز صفحات ۱۷. ۲۳. ۲۵. ۲۶. ۴۱ و ۵۱.
- ۱۲- و نیز صفحات: ۱۳. ۱۷. ۱۸. ۲۱. ۲۲. ۲۳. ۲۷. ۳۷. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶. ۴۸. ۵۲. ۵۳
- ۱۳- و نیز صفحه: ۴۶.

۱۴- و نیز صفحات: ۱۷، ۴۵ و ۵۲.

فهرست منابع

- ۱- اکبری، علی اکبر. (۱۳۵۲). *لمینیسیم*. تهران: سپهر.
- ۲- اصفهانی، ابوالفرج. (۱۹۵۵). *الاعانی*. (ج. ۲). قاهره: بیروت: دارالثقافه.
- ۳- بهرامیان، اکرم. (۱۳۹۰). «*تحلیل جلوه‌های بینامتنیت در ادبیات نمایشی دوده‌آ خیر ایران*». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده هنر. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۴- پرونر، میشل. (۱۳۸۸). *تحلیل متون نمایشی*. ترجمه شهناز شاهین. تهران: قطره.
- ۵- چکلوفسکی، پیتر. (۱۳۶۸). «*نظامی، نمایشنامه‌نویس چیره‌دست*». ترجمه مریم خوزان. در *نشر دانش*. (۵۵). صص ۱۶ - ۲۲.
- ۶- دوبرو، هدر. (۱۳۸۹). *ژانر*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
- ۷- دودانگه، محرم‌علی. (۱۳۸۹). «*لیلی و مجنون، میراث‌دار نمایش و نمایشنامه‌نویسی منظوم در ایران*». در *کتاب ماه ادبیات*. (۴۷). صص ۱۱۰ - ۱۱۳.
- ۸- شوقی، احمد. (بی تا). *مجنون لیلی*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ۹- صابری، پری. (۱۳۸۳). *لیلی و مجنون*. تهران: قطره.
- ۱۰- الفاخوری، حنا. (۱۳۸۳). *تاریخ ادبیات زبان عربی*. ترجمه عبدالمحمّد آیتی. تهران: توس.
- ۱۱- کلارستاقی، احمدعلی. (۱۳۸۳). «*نمایشنامه در ادبیات معاصر عربی و تحلیل نمایشنامه‌ی مجنون لیلی احمدشوقی*». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده ادبیات. دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۳- وحید دستگردی، حسن. (۱۳۷۶). *لیلی و مجنون*. تألیف نظامی گنجوی. تهران: قطره.

۱۴- Allen. Graham. (2000). *Intertextuality*. London and New York: Routledge.

15- Genette. Gerard. (1930). *The Architext*. Trans: Jane E. Lewin.: Los Angeles: University of California Press.

16-Genette. Gerard. (1997). *Palemsects: Literature in second degree*. Trans: Channa Newman and Calude Doubinsky. Lincoln: University of Nebraska Press.

17- Prince. Gerald. (2003). *A Dictionary of Narratology*. Linclon and London: University of Nebraska.